

نوشته: دکتر سیدحسین صفائی

تفسیر نام کوچک

تفسیری بر رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور (شماره ۲۲۴
مورخ ۱۳۴۹/۷/۱۸) و مطالعه تطبیقی در این زمینه

«با دقت و تعمق در محتویات دو پرونده که یکی به حکم شماره ۴۱/۲۹-۲۹۵/۴۱/۳ و
شعبه پنجم و دیگری به حکم شماره ۴۵/۲۹-۲۷۱/۴۵ شعبه ششم دادگاه استان مرکز
منتهی گردیده، چنین معلوم میشود که در هر دو دادخواست عنوان تقاضا این بوده است که
چون برای مولی علیه درخواست کننده در اسناد سجلی او دو نام ذکر گردیده ولی او به یکی
از این دو نام مشهور است و داشتن دو نام برای یک شخص مناسب نیست یکی از آن دو حذف
شود و برای اثبات اینکه دارنده اسناد سجلی به نام مورد درخواست حذف شهرت ندارد بلکه
فقط به نام دیگر مشهور است، به شهادت شهودی که از این امر اطلاع دارند تمسک گردیده
و مؤدای شهادت شهود مزبور نیز مبنی بر همین اظهار یوده و شعبه پنجم دادگاه استان در حکم
خود به استناد ماده ۹۹۹ قانون مدنی مندرجات سند ولادت را با شهادت شهود قابل تغییر
ندانسته و بر بطلان دعوی رأی داده ولی شعبه ششم با استناد به گواهی گواهان و اشعار به
اینکه مندرجات اسناد سجلی فقط در مورد تاریخ ولادت رسمی است، به دلالت گواهی
گواهان این درخواست را موجه دانسته و بر حذف یکی از دو نام رأی داده است. گرچه
استدلال شعبه ششم دادگاه استان در این مورد وجهه قانونی ندارد و متعاقب ماده ۹۹۹
قانون مدنی در ماده ۴۷ قانون سبیل احوال مصوب سال ۱۳۱۹ تمام مندرجات دفاتر و اسناد
سجلی که با تشریفات مقرر در آن قانون تنظیم گردیده است از اسناد رسمی شناخته شده ولی
نظر به اینکه به حکایت جریان کار معلوم میشود تقاضا کنندگان مندرجات اسناد سجلی راهنگام

تنظیم آن صحیح دانسته و دعوی آنان مبنی بر مخدوش بودن آن اسناد نیست ، بلکه مورد درخواست آنان حذف یکی از دونام مذکور در اسناد است که آنرا زائد و منافی با شهرت دارنده اسناد مزبور میدانند و این ادعا مخالف با مندرجات سند رسمی نیست تا بتوان مورد راسمولى دوماده ۹۹۹ و ۱۳۰۹ قانون مدنى دانست ، درخواست مزبور موضوعاً از حدود منع آن دوماده خارج و شهادت شهود در چنین مواردی قابل ترتیب اثر میباشد . این رأی بموجب ماده ۳ اضافی به قانون آئین دادرسی کیفری لازم الاتباع است.^۱

* * *

در مورد تغییر نام کوچک سند ریح در شناسنامه آراء مختلفی از شعب دادگاههای استان صادر شده که از جمله حکم شماره ۴۱/۷۹۵/ مورخ ۲۹/۳/۴۱ صادر از شعبه پنجم دادگاه استان مرکز و حکم شماره ۴۵/۷۱/۴۵ مورخ ۲۹/۹/۴۵ صادر از شعبه ششم این دادگاه است . حکم شعبه پنجم مربوط است به موردی که در شناسنامه ای دونام کوچک علی و شهنام نوشته شده و ولی دارنده شناسنامه بدلیل اینکه داشتن دونام معقول بنظر نمی رسد و نیز دارنده شناسنامه از بدو تولد فقط به اسم شهنام موسوم بوده و به همین نام مشهور گردیده و به استناد یک برگ استشهادیه مبنی بر صحت عرایض خود ، حذف نام علی را از شناسنامه فرزند خود تقاضا کرده است . دادگاه بدوی حکم به اصلاح شناسنامه کرده و بر اثر پژوهشخواهی اداره ثبت احوال پرسونده در شعبه پنجم دادگاه استان مرکز مطرح شده و ایسن دادگاه پس از رسیدگی چنین رأی داده است : « خلاصه اعتراض اداره پژوهشخواه بردادنامه پژوهشخواسته این است که اسناد سجلی موالید شماره ۱۱۲۷-۱۳۲۵ صادر از بخش تهران بنابه اظهار خواهان بدوی (پدر) و به استناد گواهی قابله توسط ماسور ثبت احوال و در حدود صلاحیت آنان تنظیم شده و ابدأ اختلاف و اشتباهی در اسناد مورد بحث رخ نداده تا شمول ماده ۹۹۹ قانون ثبت احوال گردد و شهادت شهود مؤثر در امر نیست که مجموعاً موجه و مؤثر بنظر می رسد ، زیرا سند ولادت شماره ۱۱۲۷ در سمدت مقرر در ماده ۲ قانون آمار و ثبت احوال تنظیم یافته و بموجب ماده ۹۹۹ قانون مدنى در عداد اسناد رسمی محسوب میشود و مطالب یادشده در این قبیل اسناد

۱ - رای هیئت عمومی دیوان عالی کشور ، شماره ۲۲۴-۸/۷/۴۹ ، آرشیو کیهان ، آراء سال

باشهادت شهود قابل تغییر و تبدیل نمیباشد و چون دادگاه بدوی بدون توجه به سراتب فوق رأی صادر نموده، دادنامه از این حیث مخدوش بنظر میرسد و دادگاه به تجویز ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی بدنی آنرا فسخ و رأی بر بطلان دعوی خواهان بدوی و نتیجتاً صحت اسناد سجلی شماره ۱۱۲۷ صادر و اعلام بیدارد.»

اما حکم شماره ۴۷۱/۴۰۵۷۱/۴۰۵۷۱/۴۰۵۷۱ صادر از شعبه ششم دادگاه استان مرکز مربوط است به موردی که دونا م کوچک خدیجه و مینا در شناسنامه ای قید شده و ولی دارنده شناسنامه به استناد شهادت شهود ادعا کرده که صاحب شناسنامه منحصرأ به نام مینا خوانده میشود و از اینرو حذف نام خدیجه را از دادگاه شهرستان تقاضا کرده است. دادگاه بدوی به نفع خواهان حکم کرده و بر اثر پژوهش خواهی اداره ثبت احوال، موضوع در شعبه ششم دادگاه استان مطرح شده و این دادگاه رأی دادگاه بدوی را به شرح زیر تأیید کرده است: «آنچه از مراجعه به ماده ۹۹ قانون بدنی استفاده و استنباط میشود اینست که قانونگذار سند سجلی را صرفاً در مورد تاریخ تولد رسمی تلقی و تغییر سندرجات آنرا فقط باشهادت شهود امکان پذیر ندانسته و الا در مورد حذف نام زائد از شناسنامه در صورتی که ادعای مدعی به ادله کافی مقرون باشد منق قانونی مشاهده نمیشود و بدین سراتب مسلم فوق و نظریا اینکه از اظهارات اتفاقی گواهان قید اضافی خدیجه در شناسنامه متعلقه به مینا استفاده میشود، دادگاه دادنامه بدوی را که صحیحاً صادر شده و مفاداً از الزام حذف خدیجه از شناسنامه مینا حکایت دارد تأیید و استوار مینماید.»

چنانکه ملاحظه میشود، شعبه پنجم دادگاه استان مرکز شهادت شهود را در مورد تغییر یکی از دونا م کوچک مندرج در شناسنامه مؤثر ندانسته ولی شعبه ششم همین دادگاه شهادت شهود را در مورد مذکور پذیرفته و به استناد آن حکم مبنی بر حذف یکی از دونا م کوچک را استوار کرده است.

دادستان کل برای ایجاد وحدت رویه به استناد ماده ۳ از مواد اضافی به قانون آئین دادرسی کیفری طرح قضیه را در هیئت عمومی دیوان عالی کشور تقاضا کرده و در نتیجه، هیئت

۱ - برای نظریه مشروح مستدل دادستان کل، رجوع شود به آرشیو کیهان، آراء سال ۴۹، ص

۲۲۸ به بعد.

عمومی رأی مذکور را که در موارد مشابه لازم الاتباع است صادر نموده است. برای روشن شدن رأی هیئت عمومی باید چند مسأله به شرح زیر را بررسی کرد:

الف - آیا تغییر نام کوچک مجاز است ؟

ب- مرجع صلاحیتدار در مورد تغییر نام کوچک ادا و ثبت احوال است یا دادگاه شهرستان؟

ج - آیا تمام سندرجات کلیه دفاتر و اسناد سجلی سند رسمی محسوب میشود؟

د - آیا شهادت شهود در مورد تغییر نام کوچک قابل ترتیب اثر است ؟

الف - آیا تغییر نام کوچک مجاز است؟

نام اعم از نام کوچک و نام خانوادگی از احوال شخصیه بشمار می آید و به تعبیر دیگر، جزء وضعیت مدنی اشخاص است و اصولاً باید دوام داشته باشد. تغییر نام مشکلاتی در روابط حقوقی اشخاص پدید می آورد و چه بسا به حقوق دیگران لطمه میزند؛ از این رو تغییر نام در حقوق جدید محدود شده و یکک امر استثنائی بشمار می آید .

در حقوق ایران تغییر نام خانوادگی در موارد استثنائی با شرایط و تشریفات خاصی پذیرفته شده است. بویژه قانونگذار برای اینکه تغییر نام خانوادگی یک امر مهم و کاملاً استثنائی تلقی شود آنرا موکول به صدور فرمان همایونی کرده است (ماده ۲۲ قانون اصلاح قانون ثبت احوال و مواد ۹۷ و ۹۸ آئین نامه قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۱۹). اما درباره تغییر نام کوچک قوانین ما ساکت است و میتوان از خود پرسید آیا با سکوت قانون، تغییر نام کوچک امکان پذیر است ؟ از آنجا که اصل، آزادی حقوقی اشخاص است و به عبارت دیگر آنچه قانون منع نکرده باشد اصولاً مجاز است، میتوان گفت تغییر نام کوچک در حقوق ما ممکن است. اما آیا میتوان به افراد اجازه داد که آزادانه و بدون قید و شرط نام کوچک خود را تغییر دهند ؟ پاسخ این سؤال نمیتواند مثبت باشد زیرا :

اولاً نام کوچک در شناسنامه و دفتر سجلی که از اسناد رسمی است قید میشود و اهمیت و اعتبار سند رسمی اقتضا میکند که تغییر سندرجات آن آسان نباشد .

ثانیاً همانطور که تغییر نام خانوادگی اشکالاتی در روابط حقوقی افراد پدید می آورد، تغییر نام کوچک نیز، البته به مقیاس محدودتر، مشکلاتی ایجاد میکند . مثلاً ممکن است

بدکار یا مجرم با تغییر نام کوچک خود کوشش کند هويت اصلی خویش را مخفی نگاهدارد تا بستانکاران یا مجریان قانون نتوانند به او دسترسی پیدا کنند. بنابراین تغییر نام کوچک هم، مانند تغییر نام خانوادگی، نباید آزاد باشد.

متاسفانه در قوانین ایران قیود محدودی برای تغییر نام کوچک بصراحت پیش بینی نشده است. تنها محدودیتی که در این باره میتوان قائل شد آنست که طبق قواعد عمومی دادرسی (ماده ۲ آئین دادرسی مدنی) درخواست کننده تغییر نام باید نفع مشروع و عقلانی در این امر داشته باشد.^۱ به بیان روشن تر تقاضای تغییر نام کوچک، چنانکه بعداً خواهیم دید، باید به صورت دعوائی علیه اداره ثبت احوال در دادگستری مطرح شود و در این دعوی مانند هر دعوی دیگر خواهان باید ذینفع و نفع او باید مشروع و عقلانی باشد. بنابراین تغییر نام کوچک بدون هیچگونه فایده عقلانی و صرفاً از روی هوی و هوس قابل پذیرش نیست. البته نفع اعم از نفع مادی و معنوی است و از اینرو کسی که نفعی معنوی در تغییر نام کوچک دارد، چنانکه نام کوچک او عرفاً مستحسن و ناپسند و موجب شرمندگی او در بین مردم است، میتواند تغییر آنرا از دادگاه بخواهد. تشخیص اینکه آیا خواهان دارای منفعت مشروع و عقلانی در دعوی هست یا نه با دادگاه است.

اگر نظر بالا را بپذیریم، راه حل حقوق ایران مشابه حقوق فرانسه است که ذیلاً بررسی میکنیم خواهد بود.

حقوق فرانسه^۲ - حال بینیم در حقوق فرانسه تغییر نام کوچک دارای چه شرایطی است.

۱ - ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر میدارد: «هیچ دادگاهی نمیتواند به دعوائی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذینفع رسیدگی به دعوائی را مطابق مقررات قانون درخواست کرده باشند چنانکه ملاحظه میشود در این ماده لزوم نفع برای اقامه دعوی پیش بینی شده لیکن مشروع و عقلانی بودن آن تصریح نگردیده است. مهذا چون قانونگذار فقط از نفع مشروع و عقلانی حمایت میکند نفع نام مشروع یا غیر عقلانی را مبتنی بر حقیقی نمینماید، لذا میتوان گفت مقصود از نفع همان نفع مشروع و عقلانی است.

۲ - رجوع شود به :

بقیه پاروئی در صفحه بعد

در سال ۱۸۰۴، زمان تصویب قانون مدنی فرانسه، نام کوچک مانند نام خانوادگی غیر قابل تغییر بشمار می آمد. قانون ۸ فروردین در سال ۱۹۱۲ این اصل را اعلام کرده و مجازات‌هایی برای تغییر نام مقرر داشته بود.

بعدها دو استثناء (یکی در مورد فرزند خواندگی کاسل^۲ و دیگری در مورد بیگانگانی که به تابعیت فرانسه پذیرفته شده باشند) بر اصل غیر قابل تغییر بودن نام کوچک وارد شد و بالاخره قانون مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۵۵ یک قاعده کلی درباره تغییر نام کوچک آورد. بموجب ماده ۵۷ اصلاحی قانون مدنی فرانسه مصوب ۱۹۵۵، طفل بعد از رسیدگی به سن کبر، یا نماینده قانونی او در دوره صغر، میتواند تغییر نام کوچک یا الحاق چیزی به آن یا حذف جزئی از آنرا از دادگاه شهرستان تقاضا کند، مشروط بر اینکه «نفع مشروع»^۳ در این امر وجود داشته باشد. قانون درباره اهمیت نفع مشروع هیچگونه تصریحی ندارد و رویه قضائی فرانسه، در گذشته، در تفسیر

۱ - Fructidor An II فروکتیدور یکی از ماههای تقویم جمهوری فرانسه است که در نوامبر

۱۷۹۳ بوسیله کنواسیون ملی فرانسه ایجاد شده بود.

۲ - Adopsion plénière فرزند خواندگی کامل عبارت از آن فرزند خواندگی است که موجب

قطع رابطه فرزند خوانده با خانواده اصلی اوست و در حکم نسب مشروع و دارای همان آثار است، در مقابل فرزند خواندگی ساده adoption simple که در آن، رابطه حقوقی بین فرزند خوانده و خانواده اصلیش باقی میماند.

۳ - Intérêt légitime

بقیه پاورقی از صفحه قبل

MAZEAUD (H.L.J.) et de JUGLART (M.), Leçons de droit civil, T.I, 1er vol. 4e édit., 1967, n° 547, p. 553 et lecture III, p. 572 ; PARISOT (B.), Le Changement de prénom, Recueil Dalloz - Sirey, 1966, p. 41 et s.; Encyclopédie Dalloz, Répertoire de Droit Civil, mise à jour 1969 nom - prénom, n° 275 et s.; MARTY et RAYNAUD, Droit Civil, T.I, 2e vol., Paris, 1967, .n° 676

آن تاحدی سختگیر بوده و در سواردی چند دادخواست خواهان را به استناد اینکه نفع مشروعی در تغییر نام کوچک خود نداشته رد کرده است. مثلاً بعضی از آراه درخواست تغییر نام کوچکی را که آهنگ اسرائیلی داشته، به دلیل اینکه نفع مشروعی در آن نیست، نپذیرفته‌اند (دادگاه استیناف کلنمار ۱۳ فوریه ۱۹۵۷، دالوز ۱۹۵۷، ص ۳۳۱؛ پاریس ۱۴ مه ۱۹۶۰، دالوز ۱۹۶۰، ص ۶۲۳؛ پاریس ۲ مارس ۱۹۶۳، دالوز ۱۹۶۳، ص ۲۹۴۵؛ ژوئیه ۱۹۶۳، ژوریس کلاسور پریودیک ۱۹۶۳، بخش ۲، ش ۱۱۰۱). و نیز بموجب پاره‌ای آراه بکار بردن یک نام مستعار دلیل مشروع برای افزودن آن به نام کوچک در سند ولادت نیست (رای دادگاه استیناف پاریس مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۶۳، دالوز ۱۹۶۳، ص ۴۳۰ که مورد تأیید دیوان تمیز فرانسه در رأی صادر از شعبه مدنی، مورخ ۳ ژانویه ۱۹۶۳ واقع شده است). لیکن در یک مورد دیگر دادگاه استیناف پاریس درباره زنی که برای گریز از آزارهای نژادی، نام کوچک خود را مخفی کرده و هنگام اعلام تولد فرزندش خود را بانام کوچک دیگر معرفی نموده و این نام در سند سجلی طفل نیز درج شده است وجود نفع مشروع را احراز کرده و به زن اجازه داده است که نام کوچک منتخب را برای خود حفظ کند (پاریس ۲۶ اکتبر ۱۹۶۳، دالوز ۱۹۶۳، ص ۶۵۳).

معروف بودن به یک نام کوچک بجز آنچه که در اسناد سجلی ذکر شده است و نیز احساس حقشناسی نسبت به شخص دیگر که خواهان می‌خواهد نام کوچک او را انتخاب کند طبق رأی دادگاه استیناف پاریس نفع مشروع و سبب تغییر نام کوچک تلقی نمی‌شود (رای ۲۲ اکتبر ۱۹۶۸، گارت دوپاله، ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸).

با وجود این، یک رأی مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۶۵ صادر از شعبه مدنی دیوان تمیز فرانسه^۱ حاکی از این است که این دادگاه عالی، سختگیری در این باره و تفسیر مضیق از «نفع مشروع» سوافق نیست. در این رأی دیوان تمیز رأی دادگاه تالی رامینی بر رد درخواست تغییر نام کوچک از Isaac به Jacques به استناد نبودن نفع مشروع در این تغییر نام، نقض و درخواست خواهان را که می‌خواسته برای احتراز از آزارهای نژادی احتمالی نام یهودی خود را به یک نام فرانسوی

۱ - مجموعه دالوز Recueil Dalloz سال ۱۹۶۵، بخش ۲، ص ۲۱۶.

تبدیل کند موجه تلقی می‌کند و در واقع خواهان را صاحب نفع مشروع برای تغییر نام کوچک خود می‌شناسد.

از این رأی که یک‌رای اصولی^۱ بشمار آمده است چنین برمی‌آید که در نظر دیوان تمیز فرانسه مقصود از «نفع مشروع» یک نفع بزرگ یا استثنائی نیست بلکه نفع فرد برای زندگی عادی در اجتماع است.^۲

ب- مرجع صلاحیت‌دار برای اخذ تصمیم در مورد تغییر نام کوچک

بعضی از علمای حقوق اظهار عقیده کرده‌اند که اخذ تصمیم در مورد تغییر نام کوچک در صلاحیت اداره ثبت احوال است و اداره مذکور مکلف به قبول درخواست اشخاص در این مورد است، زیرا انتخاب اسم کوچک در اختیار انتخاب کننده است و شخص می‌تواند هر اسمی را که در زمره نام‌های غیر مجاز نباشد برای خود انتخاب کند و برای اینکار احتیاج به مداخله دادگاه ندارد.^۳ بعضی از دادگاه‌ها نیز این نظر را پذیرفته‌اند. شعبه ششم دادگاه استان تهران برخلاف رأی که در تاریخ ۲۰/۹/۴۵ صادر کرده، در رأی مورخ ۳/۹/۴۴ تغییر نام کوچک را خارج از صلاحیت دادگاه دانسته و چنین اظهار نظر کرده است: «تغییر نام کوچک از مصادیق ماده ۴ قانون^۴ نمی‌باشد تا درخواست‌سزور از دادگاه موجه باشد. بنابراین تقاضای پژوهش خواه غیر موجه بوده بدین جهت رأی بدوی تأیید می‌شود».

این نظر خالی از اشکال نیست زیرا:

اولاً، نام کوچک مانند نام خانوادگی جزء وضعیت اشخاص است و هویت آنان را روشن می‌کند و تغییر آن نباید آزاد و بسته به میل و اراده آنان باشد. تغییر نام کوچک در صورتی که آزادانه و بدون قید و شرط و دخالت دادگاه صورت گیرد ممکن است سوءاستفاده‌هایی را باعث شود و در روابط حقوقی مردم اشکالاتی پدید آورد. اصولاً در قلمرو وضعیت و اهلیت (احوال شخصیه)

۱ - Arrêt de principe

۲ - پاریزوت، مقاله مذکور، ش ۲۵ به بعد، ص ۴۴.

۳ - رجوع شود به نظریه دادستان کل درباره دعوی مذکور، آرشیو کیهان، آرا سال ۱۳۴۹، ص

۲۲۰-۲۲۲ و ۲۳۷.

۴ - مقصود ماده ۴ قانون ثبت احوال است که متن آن بعداً ذکر خواهد شد.

مصالح اجتماعی و خانوادگی بیش از منافع فردی مورد نظر و حمایت است و از اینرو ارائه افراد نقش مهمی در این زمینه ندارد. به عبارت دیگر قواعد مربوط به احوال شخصیه اصولاً اسری و مربوط به نظم عمومی است و نقش اراده در آن یک نقش درجه اول نیست.

ثانهاً، تغییر نام کوچک در صورتی که به صرف درخواست فرد پذیرفته و بیا یک عمل ساده اداری انجام شود به اعتبار اسناد سجلی که از اسناد رسمی محسوب است لطمه میزند. اصولاً تغییر سند رجاست سند رسمی که از اعتبار خاصی برخوردار است جز در موارد استثنائی و یا شرایطی که قانون مقرر داشته مجاز نیست.

ثالثاً، از پاره‌ای مواد قانونی نیز خلاف این نظر استنباط میشود: ماده ۹۹ قانون مدنی میگوید: «تعمیر مطالبی که در دفاتر سجل احوال ثبت شده است ممکن نیست مگر بموجب حکم محکمه». البته قانون ثبت احوال پاره‌ای تغییرات از جمله تغییر نام خانوادگی را استثناء کرده و در واقع ماده ۹۹۵ قانون مدنی را در پاره‌ای موارد تخصیص داده است لیکن تغییر نام کوچک از جمله استثنائات نیست؛ بنابراین تحت شمول این ماده باقی است و عموم ماده اقتضا میکند که تغییر نام کوچک فقط بموجب حکم دادگاه ممکن باشد. ماده ۷۷ قانون ثبت احوال نیز مقرر میدارد: «هرگاه اختلافی راجع به اسناد سجلی ایجاد شود و یا برای یک نفر برگهای مکرر صادر شده باشد، رسیدگی به اختلاف و ابطال برگهای اضافی در دادگاه شهرستان محل صدور شناسنامه و در صورت نبودن آن در نزد یکترین دادگاه بخش بعمل می‌آید و تا موقعی که از طرف دادگاههای نامبرده اسناد مذکور باطل یا تصحیح نشود آن اسناد به اعتبار خود باقی خواهد بود...»

باتوجه به این دلایل میتوان گفت اخذ تصمیم در مورد تغییر نام کوچک در صلاحیت دادگاه شهرستان است و ذینفع باید بدین منظور دادخواستی به طرفت اداره ثبت احوال به دادگاه سزبور تقدیم دارد. از رأی مورخ ۹/۷/۴۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز چنین برمیآید که هیئت عمومی اخذ تصمیم در این مورد را در صلاحیت دادگاه میداند؛ چه اگر مسأله را خارج از صلاحیت دادگاهها میدانست سیاست نظر خود را در این باره اعلام دارد، نه اینکه بدون اشاره به عدم صلاحیت، شهادت شهود را در مسأله مطروحه قابل ترتیب اثر معرفی کند، خاصه آنکه دادستان کل در نظریه خود، مسأله را در صلاحیت اداره ثبت احوال دانسته است.

بنابراین میتوان گفت هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی مذکور صلاحیت دادگاههای

دادگستری را در مورد تغییر نام کوچک بطور ضمنی پذیرفته است.

حقوق فرانسه - در حقوق فرانسه هم تغییر نام کوچک در صلاحیت دادگاه شهرستان^۱ است و مقامات اداری نمیتوانند رأساً در این زمینه اقدام کنند^۲. بعلاوه چنانکه پیش گفته شد، در حقوق فرانسه نام کوچک اصولاً غیر قابل تغییر^۳ شناخته شده و تغییر آن امری استثنائی است.

ج- آیا تمام مندرجات کلیه دفاتر و اسناد سجلی سند رسمی محسوب میشود؟

طبق ماده ۳۰، قانون مدنی دعوائی که مخالف با مفاد یا مندرجات سند رسمی باشد به شهادت اثبات نمیکردد این قاعده مبتنی بر اهمیت و اعتبار خاص اسناد رسمی است. اگر خلاف مندرجات سند رسمی باشد شهادت شهود قابل اثبات باشد در بسیاری موارد دادگاه بناچار باید برخلاف سند رسمی حکم دهد و این به ارزش و اعتبار سند رسمی لطمه خواهد زد.

حال به بینیم آیا تمام مندرجات اسناد و دفاتر سجلی سند رسمی بشمار می آید و خلاف آن با شهادت شهود قابل اثبات نیست یا تنها پاره ای از مندرجات آنها از این گونه ارزش و اعتبار برخوردار است و آیا همه اسناد و دفاتر سجلی دارای یک ارزش است یا باید بین آنها تفکیک قائل شد.

در مورد سؤال اول، شعبه ششم دادگاه استان با توجه به ماده ۹۹ و قانون مدنی چنین نظر داده که قانونگذار اسناد سجلی را صرفاً در مورد تاریخ تولد رسمی تلقی کرده و فقط تغییر تاریخ تولد است که با شهادت شهود میسر نیست. و با این استدلال دادگاه مذکور شهادت شهود را در مورد حذف نام زائد (یکی از دو نام کوچک) از شناسنامه پذیرفته است.

لیکن هیئت عمومی دیوان عالی کشور استدلال فوق را نپذیرفته میگوید: «استدلال شعبه

۱- tribunal de grande instance این دادگاه تقریباً معادل دادگاه شهرستان در حقوق

ایران است.

۲- رجوع شود به: قانون مدنی فرانسه، چاپ دالور، ۷۳-۱۹۷۲، ماده ۷ اصلحی؛ مازو،

کتاب مذکور، ش ۵۴۷؛ دائرة المعارف حقوقی دالوز، ذیل عنوان Nom-prénom جلد اصلاحی

۱۹۶۹، ش ۲۷۷.

۳- I mmutable.

ششم دادگاه استان و جهه قانونی ندارد و متعاقب ماده ۹ و قانون مدنی، در ماده ۷ و قانون اصلاح قانون سجل احوال مصوب سال ۱۳۱۹ تمام مندرجات دفاتر و اسناد سجلی که با تشریفات مقرر در آن قانون تنظیم گردیده است از اسناد رسمی شناخته شده . . .»

درواقع، ماده ۹ و قانون بهیچ وجه حکایت از آن ندارد که اسناد و دفاتر سجلی فقط از نظر تاریخ تولد دارای ارزش اسناد رسمی است و سایر مندرجات آنها سند عادی تلقی میشود و خلاف آن با شهادت قابل اثبات است. و علاوه عموم ماده ۷ و قانون ثبت اسناد خلاف آنرا میسراند. بنابراین نظر شعبه ششم دادگاه استان فاقد مبنای حقوقی است و انکهی قبول این نظر به اعتبار اسناد سجلی لطمه میزند و برخلاف مصالح اجتماعی است.

اما راجع به اینکه آیا همه اسناد و دفاتر سجلی از ارزش و اعتبار واحدی برخوردار است یا باید بین آنها قائل به تفکیک شد، بعضی از استادان حقوق و دادگاهها بین اسناد ولادت (شناسنامه و دفاتر ثبت ولادت) بر حسب اینکه ولادت در مدت قانونی (۵ روز) به دائره ثبت احوال اظهار یا پس از پایان این مدت اعلام شده باشد فرق گذارده و سند ولادت را فقط در مورد اول رسمی شناخته اند و در مورد دوم سند عادی تلقی کرده و شهادت را برای اثبات خلاف مندرجات آن پذیرفته اند. استند این نظر ماده ۹ و قانون مدنی است که میگوید: «سند ولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به دائره سجل احوال اظهار شده است سند رسمی محسوب خواهد بود.» این نظر قابل ایراد است زیرا:

اولاً با توجه به ماده ۲۸۷ قانون مدنی (که بموجب آن اسنادی که نزد ساموران رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات تنظیم شده باشد رسمی شناخته شده است) میتوان گفت، مفهوم مخالف ماده ۹ و منظور نبوده است.

ثانیاً بر فرض اینکه ماده ۹ و قانون مدنی هنگام تصویب، مفهوم مخالف داشته است، با ماده ۷ قانون اصلاح قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۱۹ این مفهوم ملغی شده است. ماده ۷ و قانون ثبت احوال چنین مقرر میدارد: «مندرجات دفاتر ولادت و وفات و اسنادی که بر طبق آن صادر میشود و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در دفاتر از اسناد رسمی و معتبر خواهد بود، مگر اینکه خلاف آن در دادگاه ثابت شود. سایر اسناد سجلی که بر طبق مقررات قانون با تشریفات مذکور در بالا تنظیم شده نیز اسناد رسمی است و لیکن در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود.» چنانکه از این

۱ - دکتر جمعی لنگرودی، دانشنامه حقوقی، چاپ دوم، جلد ۲، ثبت احوال، ص ۱۱۱ به بعد.

ماده برسی آید همه دفاتر و اسناد سجلی که طبق مقررات و یا تشریفات مذکور در قانون تنظیم شمع اعم از دفتر سرواید (یا ولادت) که ولادتهای اعلام شده در ظرف سال در آن ثبت میشود و دفتر اظهارنامه که ولادتهائی که پس از پایان سال اظهار شده در آن به ثبت میرسد و دفتر فوت و اسنادی که بر طبق آنها صادر میگردد رسمی محسوب است. در حقیقت، منطقی بنظر نمی رسد که در مواردی که به علت تخلف اعلام کنند، ولادت در بدست قانونی به دایره ثبت احوال اعلام نشده است. سنجرات دفتر سجلی که بوسیلهٔ ماسورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و برابر مقررات و یا تشریفات قانونی تنظیم شده و شناسنامه ای که بر طبق آن صدور یافته از ارزش و اعتبار سند رسمی برخوردار نباشد. تنها تفکیکی که در ماده ۳۷ دیده میشود اینست که ماده مذکور سنجرات دفتر اظهارنامه و اسنادی را که بر طبق آن صادر میشود در مقابل اشخاص ثالث معتبرند آنست که است، شاید از این جهت که سنجرات این گونه اسناد به اندازهٔ سنجرات دفتر موالید قابل اطمینان نیست: هر گاه ولادت طفل در ظرف ۱ روز یا حداکثر تا پایان سال به دایره سجل احوال اعلام شده و به ثبت رسیده باشد بیشتر مقرون به صحت است تا ولادتی که بعد از پایان سال اعلام شده که ممکن است برخلاف واقع و برای رسیدن به مقاصد نامشروع باشد.

ممکن است گفته شود مفهوم مخالف ماده ۹۹ و قانون مدنی خاص و ماده ۷۷ قانون ثبت احوال عام است و عام نمیتواند نسخ خاص باشد بلکه در مقام تعارض بین عام و خاص باید خاص را مقدم داشت و به عام در غیر موارد خاص عمل کرد. به عبارت دیگر مفهوم مخالف ماده ۹۹ و مخصص ماده ۷۷ قانون ثبت احوال تلقی میشود.

در پاسخ میتوان گفت، چنانکه بعضی از علمای اصول گفته اند، مفهوم مخالف در صورتی مخصص عام تلقی و بر آن مقدم میشود که قرینه ای که مرجع عام باشد و آثار تقویت کند در میان نباشد و در سאלه مورد بحث چنین قرینه ای وجود دارد و آن ماده ۲۸۷، قانون مدنی است. بنابراین ماده ۷۷ قانون ثبت احوال از جهت اعتضاد آن به ماده ۲۸۷، قانون مدنی اقوی از مفهوم ماده ۹۹ و مرجع بر آن خواهد بود.

حقوق فرانسه در حقوق فرانسه هم کلیهٔ سنجرات دفاتر و اسناد ثبت احوال سند رسمی بشمار می آید و تفاوتی بین سنجرات و دفاتر مختلف وجود ندارد. وانگهی همهٔ این اسناد

۱ - میرزای قمی، قوانین، چاپ سنگی عبدالرحیم، ص ۳۰۶؛ محمد عبده بروجردی، اصول الفقه، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۴، ص ۲۸۳.

دارای اعتبار مطلق است یعنی در مقابل اشخاص ثالث هم معتبر است و از این جهت بین دفاتر مختلف ثبت احوال فرقی نیست^۱. لیکن باید یاد آور شد که در حقوق فرانسه ولادت در ظرف سه روز بعد از تولد طفل باید به شهرداری که عهده دار ثبت احوال است اعلام شود تا در دفتر مربوط به ثبت برسد. هرگاه ولادت در ظرف این مدت اعلام نشود برای ثبت آن در دفتر سجل احوال به حکم دادگاه نیاز است. در واقع، سامورثیت احوال، در این صورت، حکم دادگاه را در دفتر ثبت میکند.^۲

د - آیا شهادت شهود در مورد تغییر نام کوچک قابل پذیرش است؟

از آنجا که سند رسمی با تشریفات خاصی تنظیم میگردد و سامور رسمی در تنظیم آن دخالت دارد که مجازاتهای سنگینی صحت عمل او را تضمین میکند، این گونه سند بیش از سند عادی قابل اعتماد است و از این رو قانونگذار ارزش و اعتبار بیشتری برای آن قائل شده و برای اینکه با اثبات خلاف سندات آن از طریق شهادت به اعتبار سند رسمی لطمه ای وارد نشود، شهادت شهود را در این خصوص قابل ترتیب اثر ندانسته است. به تعبیر دیگر، دعوائی که مخالف با مفاد یا سندات سند رسمی (یا سند عادی که اعتبار آن در حکم مهر زده) باشد به شهادت شهود اثبات نمیکردد (ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی).

حال ببینیم آیا در مورد تغییر اسناد سجلی بویژه در سאלه ای که موضوع رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور بوده است شهادت قابل ترتیب اثر است یا نه. از آنچه گفته شد میتوان نتیجه گرفت که اگر مؤدای شهادت خلاف سندات شناسنامه یا دفاتر ثبت احوال باشد نمیتوان آنرا پذیرفت، چه ترتیب اثر دادن به این شهادت مخالف ماده ۹۰۳ قانون مدنی است. مثلاً با شهادت نمیتوان ثابت کرد که تاریخ تولد یا نام پدر یا مادر دارنده شناسنامه جز آن است که در شناسنامه نوشته شده است. لیکن اگر مؤدای شهادت برخلاف مفاد و سندات اسناد سجلی نباشد میتوان به آن ترتیب اثر داد.

در مورد دادخواست حذف یکی از دو نام کوچک که موضوع رأی هیئت عمومی بوده است و قبول شهادت شهود در این باره، دادگاهها نظریات مختلفی ابراز داشته اند؛ شعبه پنجم دادگاه استان سرکز به استناد اینکه سندات ولادت رسمی است و با شهادت شهود قابل

۱ - مازو، کتاب مذکور، ش ۵۱۹ و ۵۲۳.

۲ - همان کتاب، ش ۵۰۱.

تغییر نیست به بطلان دعوی خواهان رأی می‌دهد. ولی شعیه ششم با قبول گواهی و اشعار به اینکه سند درجات اسناد سجلی فقط در مورد تاریخ ولادت رسمی است، درخواست خواهان را موجه دانسته به حذف یکی از دونام کوچک‌نامی که دارند سند سجلی به آن شهرت نداشته - حکم میکند. لیکن هیئت عمومی دیوان عالی کشور، در رأی لازم‌الاتباع مذکور، ضمن رد استدلال شعبه ششم و پس از اعلام این نکته که تمام سند درجات دفاتر و اسناد سجلی که با تشریفات مقرر در قانون تنظیم گردیده از اسناد رسمی بشمار می‌آید، اظهار نظر میکند که: «... تقاضا کنندگان سند درجات اسناد سجلی را هنگام تنظیم آن صحیح دانسته و دعوی آنان سببی بر مخدوش بودن آن اسناد نیست بلکه مورد دادخواست آنان حذف یکی از دونام مذکور را اسناد است که آن را زائد و منافی با شهرت دارند. اسناد مزبور میدانند و این ادعا مخالف با سند درجات سند رسمی نیست تا بتوان مورد را شمول دوماهه ۹۹ و ۹۰ و ۳۰ قانون مدنی دانست، درخواست مزبور موضوعاً از حدود متع آن دوماهه خارج و شهادت شهود در چنین مواردی قابل ترتیب اثر می‌باشد». بنابراین هیئت عمومی دیوان عالی کشور شهادت شهود را، در موردی که برای حذف یکی از دونام کوچک سند در شناسنامه مورد استناد واقع شده و مؤدای گواهی این باشد که دارند سند فقط به یکی از دونام شهرت دارد، قابل ترتیب اثر می‌داند. در واقع همانطور که هیئت عمومی اعلام کرده است این شهادت مخالف سند درجات سند رسمی نیست تا بتوان به آن ترتیب اثر داد.

در توجیه نظر دیوان عالی کشور میتوان گفت: در مورد مذکور خواهان ذینفع بودن خود را در تغییر نام کوچک، از طریق شهادت اثبات میکند: چنانکه گفتیم در دعوی تغییر نام کوچک، خواهان باید ذینفع باشد و نفع خود را در دعوی به طریق ثابت کند و میتوان گفت نفع کسی که دونام کوچک در سند سجلی او قید شده که فقط به یکی از آن دو شهرت دارد در این است که نام دیگر حذف شود و شهادت شهود که حاکی از عدم شهرت دارند سند به نام مورد دادخواست حذف است در واقع ذینفع بودن او را در دعوی حذف آن نام تأیید میکند. بنابراین، شهادت مزبور برخلاف سند درجات سند رسمی نیست و اشکالی در قبول آن بنظر نمی‌رسد.

حقوق فرانسه - در حقوق فرانسه، طبق ماده ۱۳۴۱ قانون مدنی، خلاف سند درجات

سند، اعم از سند رسمی و عادی، را نمیتوان با گواهی گواهان اثبات کرد پس خواهان

نمی‌تواند با شهادت ثابت کند که آنچه راجع به تاریخ تولد یا نام پدر یا مادر یا نام دارنده سند سجلی و غیر آن در سند نوشته شده نادرست و برخلاف واقع است. اما در آنچه خلاف مفاد سند نباشد شهادت شهود پذیرفته می‌شود. مثلاً خواهان از طریق شهادت می‌تواند اثبات کند که بعلت داشتن نام کوچک یهودی که در شناسنامه اوقید شده، مورد آزار و تمسخر مردم محیط خود واقع شده است و می‌تواند بر اساس این شهادت تغییر نام کوچک خود را تقاضا نماید (رای شعبه مدنی دیوان تمیز فرانسه مورخ ۶ ژانویه ۱۹۶۵).

بنابراین حقوق فرانسه، در آنچه گفته شد، مشابه حقوق ایران است و تفاوت مهمی در این زمینه بین دو حقوق دیده نمی‌شود.

۱- رجوع شود به: مازو، همان کتاب، ش ۴۰۲؛ مارتی ورنو، حقوق مدنی، ج ۱، بخش ۱، چاپ پاریس ۱۹۷۲، ش ۲۶۳.